

اولین همایش ملی قرآن و روانشناسی

1st Conference on The Quran and Psychology

۲۲ تا ۲۴ تیرماه ۱۳۹۹

عنوان مقاله نقش اسم، آیه و فلق در ادراک انسان از محیط مصنوع

نویسندگان محمدعلی خان‌محمدی، مرضیه اصلانی، زینب حیاتی

مقدمه

پدیده‌های انسانی چون محیط مصنوع، همچون پدیده‌های طبیعی دارای ابعاد گوناگون حسی، عقلانی، عاطفی و شهودی برای شناخت هستند و از آنجا که نظام آفرینش در ساختار هر موجود چنین ابعادی را تدارک دیده، برای درک آنها ابزارهای شناختی متناسبی در وجود انسان به ودیعه گذاشته شده است. درحال حاضر نظریات موجود پیرامون شناخت محیط مصنوع تنها به جنبه‌های خاصی از ادراک محیط بسنده کرده‌اند؛ درحالیکه آنچه از ادراک انسان در قرآن کریم مورد نظر است، فراتر از جنبه‌های حسی، تجربی و یا حسی- عقلی است که به شناخت پدیده‌ها در سطوح مختلف منجر می‌شود.

این دیدگاه نسبت به دیدگاه‌های موجود دربارهٔ ادراک به شناختی فراحسی یا عمیق‌تر معتقد است که می‌تواند انواع سطوح شناختی را طی کند. مطهری (۱۳۹۶) چنین شناختی را که به توان ادراکی انسان از لایه‌های عمیق‌تری از حقیقت اشاره دارد، با عنوان شناخت آیه‌ای معرفی کرده است. فرآیندی که متأثر از این مفهوم بر ادراک انسان حاکم است بیانگر قابلیت در محیط مصنوع برای تعقل در آن و درک نشانه‌هایی است که به شناخت بیشتر از ویژگی‌های پدیده تا شناخت امور ماورائی چون درک صفات خداوند و غایت خلقت از طریق آن مربوط است.

باتوجه به اهمیت و نقش ادراک محیط مصنوع، این پژوهش در پی آن است که با بررسی دیدگاه قرآن کریم دربارهٔ ابزارهای ادراک در انسان و با بررسی دیدگاه‌های روانشناسی محیطی در رابطه با نحوهٔ ادراک محیط مصنوع در مطالعه‌ای تطبیقی به تبیین فرآیند ادراکی انسان از محیط مصنوع بپردازد. هر یک از نظریات مکاتب روان‌شناسی محیطی ابزارهایی را برای ادراک و شناخت معرفی کرده‌اند. علیرغم توجه به ابزار حواس، که اغلب بین نظریات مشترک است، گذر از سطوح حسی ادراک به لایه‌های عمیق‌تر آن یکی از وجوه اختلاف در نظریات است. بر این اساس سؤال اصلی تحقیق این است که چگونه می-توان محیط مصنوع را به عنوان پدیده‌ای چند بعدی به درستی ادراک کرد؟ علاوه بر این در مسیر پاسخ به این سؤال ابزارهای ادراک و شناخت از منظر قرآن کریم مورد سؤال قرار گرفت.

با توجه به ویژگی‌های انسان و نوع توجهی که به محیط دارد، نحوهٔ ادراک او از محیط مصنوع متفاوت خواهد بود که به نحوهٔ استفاده از ابزارهای ادراکی حس، عقل و قلب در نزد او و طی شدن فرآیند ادراک بستگی دارد. بر اساس مفاهیم قرآن کریم فرآیند ادراک از طریق فهم مراتب اسم و آیات در پدیده‌ها و فلق‌هایی که بیانگر تمایزات آیات است می-تواند به شناختی عمیق‌تر از پدیده‌ها منجر شود. درصورتیکه انسان این فرآیند ادراکی را طی کند شناخت او منجر به درک حقایق عمیق‌تری مبتنی بر ویژگی‌های پدیده‌ها و ظرفیت‌های ادراکی نهادینه شده در وجود انسان خواهد شد.

روش

تحقیق حاضر با روشی کیفی و با روش استدلال منطقی و با ابزار توصیف و تحلیل داده‌های کتابخانه‌ای به انجام رسیده‌است. به علت مواجهه با حجم وسیعی از اطلاعات، دقت در تعریف مفاهیم و پیش بینی فرآیند مناسب جهت دست‌یابی به هدف پژوهش است. بدین منظور جهت فهم نقش آیه، فلق و اسم در ادراک انسان انجام موارد زیر ضروری به نظر رسید: نخست ادراک و شناخت از دیدگاه فلاسفه و قرآن کریم؛ دوم، فهم نحوهٔ ادراک و شناخت محیط مصنوع از منظر روانشناسی محیطی؛ و سوم، ادراک محیط مصنوع از طریق فرآیند ادراک اسم، آیه و فلق. در ابتدا اطلاعات کلی درباره ادراک و شناخت از دیدگاه فلاسفه و قرآن کریم گردآوری شد، پس از آن منظور از ادراک محیط مصنوع و نظریه‌های مطرح آن از منظر روانشناسی محیطی بررسی شد. در نهایت با توجه به گام های تحقیق که با توالی منطقی تشریح شد، دیدگاه قرآن کریم و تمایزی که با دیدگاه روان‌شناسی محیطی از نظر نقش ابزارهای شناخت در ادراک و نقش فرآیند ادراک محیط مصنوع بر مبنای اسم، آیه و فلق دارد،

یافته‌ها و نتایج

ادراک محیط مصنوع از منظر روان‌شناسی محیطی

محیط از جمله مفاهیمی است که در حوزه‌های مختلف معانی متفاوتی دارد و در هریک از دسته‌بندی‌ها به مقاصد مورد انتظار از محیط اشاره می‌شود (پروتوس، ۱۹۹۷). در یک دسته‌بندی کلی محیط را دارای سه مؤلفهٔ محیط طبیعی، محیط مصنوع و محیط انسانی(تعاملات اجتماعی) معرفی می‌کنند (شاهچراغی، بندرآباد، ۱۳۹۴). آنچه در این پژوهش به عنوان محیط مصنوع مورد نظر است بیانگر محدوده‌ای است که با اهداف معینی توسط انسان ساخته شده یا توسط او سازمان یافته است (پوردیپه‌می، ۱۳۹۴). پاره‌ای از مهم‌ترین نظریات روان‌شناسی محیطی عبارتند از روان‌شناسی گشتالت، نظریهٔ کنش متقابل ادراک و نظریهٔ اکولوژیک ادراک (لنگ، ۱۳۹۱). با مقایسهٔ این نظریات، می‌توان بیان کرد از دیدگاه نظریه-پردازان گشتالت، معنا حاصل عملکرد شخصیت هندسی محیط است و ادراک محیط نتیجهٔ اطلاعات حسی پراکنده‌ای است که بر اساس تجربهٔ شناختی کامل می‌شود. از طرفی پیروان مکتب کنش متقابل بر این باورند که با وقوع ادراک، معنا نیز درک می‌شود و برای دادن معنایی جدید، تجربهٔ گذشته در ادراک مداخله می‌کند (لنگ، ۱۳۹۱). نظریه‌پردازان اکولوژیک ادراک نیز فرض می‌کنند که تمام معانی احتمالی بالقوهٔ یک شیء بطور مستقیم قابل درک هستند. فرد در بیشتر موارد می آموزد که به دنبال چه چیزی باشد و ادراک معنا مبتنی بر طرحواره‌های ذهنی است (لنگ، ۱۳۹۱). اما به نظر می‌رسد که این نظریه نیز مانند نظریهٔ گشتالت تنها به ویژگی‌های کالبدی محیط پرداخته است (مطلسی، ۱۹۹۸).

حال با توجه به اینکه نظریات موجود در روانشناسی محیط تنها به تحقق ادراک توسط ابزارهای شناخت و در موارد معدود به ادراک معنا می‌پردازند، بنظر می‌رسد توان ادراکی انسان در لایه‌های عمیق‌تر و تعقل در عناصر محیط مصنوع از دید پژوهشگران این شاخه نادیده گرفته شده است. این موضوع توجه به مفاهیم ادراک در نظریات فلاسفه شرقی و قرآن کریم بر مبنای شناخت اسم، آیه و فلق را پراهمیت می نماید.

ادراک محیط مصنوع بر مبنای شناخت اسم، آیه و فلق

به دلیل تنوع و کثرت عوامل اثرگذار بر ادراک و رفتار انسان از محیط مصنوع، متفکران این حوزه، بر درک فضا به عنوان مجموعه‌های پویایی از «صحنه»‌ها تأکید می‌کنند با توجه به مفهوم صحنه در محیط و با درنظر گرفتن ابزارهای ادراکی انسان می‌توان به قابلیت‌های ادراکی محیط مصنوع پی برد. از آنجا که ذهن انسان قابلیت تعمق و تدبر و شناخت عمقی در محیط را داراست، می‌توان برای انسان، شناختی را متصور بود که ضمن درک صورت از صورت‌های ظاهری عبور کند و حقایق وراء آنها را ببیند. همان‌طور که اشاره شد، از این نوع ادراک در قرآن کریم با لفظ «آیه» تعبیر شده است و مطهری از این نوع شناخت با عنوان شناخت آیه‌ای یاد کرده است (مطهری، ۱۳۹۶).

شناخت پدیدارهای هستی به عنوان آیه از دو جنبه برخوردار است. از یک سو نشان دهندهٔ ویژگی‌های خلقی آن پدیده بوده و از سوی دیگر معرف اوصاف خالق آن است و با توجه به عوامل مؤثر بر شکل‌گیری آن می‌توان به اهمیت هریک از دو جنبه و کارکرد و آثار آن برای انسان پی برد (اخوت، ۱۳۹۴).

مصادیق ادراک اسم، آیه و فلق از طریق محیط مصنوع را می‌توان در معماری سنتی ایرانی مشاهده کرد. در معماری سنتی هر فضا برای خود دارای تمامیت و کمالی بود که با نقشهٔ هندسی کامل خود و استفاده از مفاهیمی چون مرکزگرایی، ریتم، تقارن، تعادل و غیره، سعی در القای معنایی چون عظمت، تواضع، طراوت، سخاوت و ... را به مخاطب داشت. اینگونه به نظر می‌رسد معماران گذشته توانسته‌اند با نمایش آیات الهی و ایجاد فلق‌هایی که هدایت‌کنندهٔ انسان در فضاست، شبکهای از معانی را برای مخاطب قابل درک کنند که منجر به حرکت انسان در فضا و دریافت معنایی صفات کمالی آن از طریق نشانه‌هاست. این فرآیند شامل ادراک مراحل حقیقت در مراتب چهارگانهٔ اسماء و به وسیلهٔ سامانهٔ ادراکی است که با استفاده از ابزارهای حواس، عقل و قلب، امکان فهم صفات کمال را برای انسان میسر می‌کند. فلق شناسی در هر مرحله از شناخت کمال مسیر ورود به مراحل دیگر و شناخت حقایق بیشتر دربارهٔ صفات کمال در محیط‌مصنوع است.

بحث و نتیجه‌گیری

همانطور که اشاره شد محیط با واسطهٔ دخالت انسان یا بدون واسطهٔ آن وجه آیه‌ای دارد و صفات کمالی نهادینه شده در آن توسط خالق هستی را منعکس می‌کند. ادراک محیط مصنوع از منظر قرآن می‌تواند سطوح عمیق‌تری از ادراک را علاوه بر جنبه‌های حسی و استدلالی بیان شده در نظریات روان‌شناسی محیطی دربرگیرد. بر اساس دیدگاه قرآن کریم دربارهٔ ابزارهای شناخت و فرآیند آن، ادراک محیط مصنوع شامل مراتب حسی، شهودی و استدلالی است که نقش فؤاد در آن به عنوان نقشی اساسی مطرح است و بیانگر نقش مهم تعقل و اثرپذیری آن از الهام است. بر این اساس انسان می‌تواند چهار مرتبهٔ ادراک حقایق را که تحت چهار مرتبهٔ اسماء معرفی شدند، درک کند. از این رو ابعاد وجودی محیط مصنوع از منظری که به ادراک مربوط است تنها به موارد اکتسابی ناشی از عوامل فیزیکی و فرهنگ خلاصه نمی‌شود؛ بلکه لایه‌های عمیق‌تری دارد که می‌تواند همراه با درک حقایق و ارزشهای نهفته در محیط مصنوع منجر به هدایت و رشد انسان در مسیر کمالش شود و به اندیشه و رفتار شایسته انسانی بیانجامد.

با اعتقاد به ویژگی آیه بودن پدیدارهای هستی می‌توان به قابلیت‌های ادراکی محیط مصنوع پی برد. محیط مصنوع از سویی به عنوان پدیده‌ای ممزوج با طبیعت و از سوی دیگر پدیده‌ای مصنوع از سوی انسان قابل درک است و اگر از نقش انسان به عنوان موجودی که مصنوع آن قابلیت آیات الهی شدن را دارد بگذریم، باز هم این امر بدیهی است که مصنوع انسانی از آن منظر که طبیعت را در خود ممزوج کرده است می‌تواند نمایانگر آیات الهی باشد. بنابراین ادراک محیط مصنوع می‌تواند زمینه‌ساز ادراک هر دو جنبهٔ ویژگی‌های خلقی محیط، اوصاف و کمالات خالق آن باشد. از سوی دیگر با پدیدار شدن صحنه‌ها و سکانس‌های فضایی در محیط مصنوع امکان درک فلق‌هایی که مراحل ادراک آیات را تشکیل می-دهند و انسان را در جهت‌یابی و تشخیص تغییرات محیطی مدد می‌رساند مسیر می‌شود. این‌گونه انسان می‌تواند صحنه‌های متعدد ادراک آیات الهی را سپری کند و با هر فلقی به سوی آیت دیگری حرکت کند.

درصورتی‌که محیط مصنوع بتواند همسویی لازم با طبیعت و نظام آیات پیدا کند، از طریق فرآیند ادراکی انسان منجر به کمال‌شناسی و ایجاد خیزش درونی برای حرکت در مسیر کمال خواهد شد. انسان با ادراک صفات کمال از طریق محیط ارتقاء وجودی یافته و سازگاری رفتاری با محیط پیدا می‌کند. بر همین اساس اگر معماری و شهرسازی با ایجاد صحنه‌ها و سکانس‌هایی که ایجاد می‌کند زمینه ساز شناخت آیات الهی و فلق-های آن برای انسان شود، توانسته است به نیازهای ادراکی انسان متناسب با ظرفیت‌های آن پاسخ گوید. بر همین اساس بررسی ویژگی‌هایی از محیط که منجر به پدیدار شدن آیات الهی و فلق در آن است برای پژوهش‌های آتی توصیه می‌شود.

منابع

- فران کریم
- مصطفوی، ح. (۱۳۸۵). التحقیق فی کلمات قرآن کریم. تهران: مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.
- اسرت، ا (۱۳۹۴). تفسیر در اسناد. تهران: انتشارات قرآن و اهل بیت علیه السلام.
- ایروانی، م. خدابندی، م. (۱۳۹۱). روانشناسی احساس و ادراک. تهران: انتشارات سمت.
- پوردیپه‌می، شی. (۱۳۹۴). منظر فلسفی در شناخت‌شناسی تهران: آریشتور.
- شاهچراغی، ج. باابورد، ص. (۱۳۹۲). بررسی تطبیقی ابزار شناخت در شناخت‌شناسی ملامت‌دا و کانت فصلنامه تخصصی فلسفه و کلام، ۴ (۸۱) - ۱۹۹ - ۱۷۴.
- شاهچراغی، آ. بقرآباد، ع. (۱۳۹۴). معادله در محیط کاربرد روانشناسی محیط در معماری و شهرسازی تهران: جهاد دانشگاهی.
- شاهچراغی، آ. (۱۳۹۰). پارادایم‌های پدیدین درآمیزی بر بازشناسی و بازآفرینی باغ ایرانی (چاپ دوم). تهران: جهاد دانشگاهی واحد تهران.
- طاهر، ق. (۱۳۹۸). ابزار شناخت و هدایت‌خداوند. در: دستگاه فکری طیار و سپهرودی، فصلنامهٔ پژوهشی تحقیقات زبان و ادب فارسی، ۱۵(۲) - ۱۱۵ - ۱۳۸.
- طباطبائی، م. (۱۳۷۸). ترجمه تفسیر المیزان (چاپ یازدهم). ترجمه محمد باقر موسوی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- کوهن، ن. (۱۳۹۳). انسان‌شناسی شهری (چاپ نهم). تهران: نی.
- کاربانی ارنی، م. (۱۳۹۴). احساس و ادراک از دیدگاه قرآن، درفصلنامهٔ انسان‌پژوهی دینی، ۱۳(۲۱) - ۷۱ - ۹۵.
- گروتر، ی. (۱۳۹۰). زیبایی‌شناسی در معماری. ترجمه جهانانه پاکواد. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- لنگ، ج. (۱۳۹۱). آفرینش نظریه معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی محیط. ترجمه علیرضا عینی فر. تهران: دانشگاه تهران.
- ماتلاک، ج. (۱۳۷۸). آشنایی با طراحی محیط و منظر تهران: سازمان پارک ها و فضای سبز شهر تهران. موسسه نشر شهر.
- مشایی، ن. (۱۳۷۸). رویکرد قرآن به ابزارها و راه‌های شناخت. نشریهٔ مطالعات اسلامی (۸۰) - ۱۸۳ - ۲۱۵.
- مطلسی، ق. (۱۳۸۰). روانشناسی محیطی دانشی تو در خدمت معماری و طراحی شهری. نشریه هنرهای زیبا. شماره ۱۰، صص ۵۵- ۷۷.
- مطهری، م. (۱۳۹۶). شناخت از نظر قرآن. تهران: صدرا.
- مطهری، م. (۱۳۹۰). مسئلهٔ شناخت (چاپ بیست و ششم). تهران: صدرا.
- نوبلی، ک. حاجی قاسمی، ک. (۱۳۹۰). خشت و خيال، شرح معماری اسلامی ایران. تهران: سروش.
- Amerlinck, M.J. (2001). The Meaning and Scope of Architectural Anthropology, In Architectural Anthropology (pp. 1-26). London: Bergin & Garvey.
- Gibson, J.(1966). The senses considered as perceptual system. Boston: Houghton Mifflin.
- Gibson J.J. (1977). The Theory of Affordance. (R. Shawand, J. Bransford . eds.). Perceiving, Acting and Knowing. New York: Halsted.
- Motalebi, Gh. (1998). A Theory of Meaning in Architecture and Urban Design: An Ecological Approach, Unpublished PhD dissertation, Faculty of the Built Environment, The University of New South Wales, Sydney.
- Porteous J.(1977). Environment and Behavior: Planning and Everyday Urban Life, reading, mass.: Addison-Wesley.

